

## دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت

(۳)

عنوان تازه‌ای که جهت ارائه این مزیت به او دادند « قاضی القضاة » بود در صورتیکه حقیقه او رئیس القضاة بشمار میرفت نه قاضی القضاة ، اما به پیروی از مصطلح قضائی عصر ساسانی که برای سردرسته داوران زرتشتی آن عصر موبدان موبد یا موبد موبدان میشد، این سمت تازه هم بجای رئیس القضاة ، دارای عنوان قاضی القضاة گشت.

### قضات تابع قاضی القضاة

کار انتخاب قاضی القضاة با خلیفه بود ولی قاضی القضاة خود قاضیان دیگر را برای ممالک و ولایات و شهرها انتخاب و تعیین میکرد و هر کدام در محل کار خود جنبه نیابت او را داشتند .

پیش از آن ممکن بود که قاضی يك یا چند تن نایب داشته باشند که در غیاب او به دعاوی مردم در محل کار او یا در موضع دیگری از همان شهر ، رسیدگی کنند، اما قاضیان شهرهای دیگر در کار خود مستقل و تابع خلیفه یا والی آن محل بودند که از طرف خلیفه انتخاب و بدانجا فرستاده میشد .

ظهور این ترتیب تازه، يك مقام تازه روحانی و اداری بوجود آورد که میتواندست قضات را در همه شهرها و نقاط دور و نزدیک ممالک اسلامی از نفوذ عوامل مجاور و مؤثر

بر کنار دارد و به اتکای حمایت قاضی القضاة در قرار گاه خلافت، اینان بهتر میتوانستند وظیفه شرعی خود را با استقلال رأی انجام بدهند.

### محمد بن حسن شیبانی و قضاوت

محمد حسن شیبانی شاگرد دیگر ابوحنیفه که در عهد قاضی القضاتی ابو یوسف قاضی کوفه شده بود، پس از مرگ او باعتبار دانش و مقاومتی که در برابر عوامل متنفذ داشت، برجای ابو یوسف نشست. او در مقابل تمایلات خلیفه هارون حاضر به تسلیم مطلق نشد و در چند مورد بر خلاف دلخواه او رأی داد.

### تحول در وضع قضاوت

چنانکه اشاره شد در عهد خلفای راشدین امر قضاوت بر دو پایه تقوی و فضیلت قرار داشت و تعداد کسانی که بدین سمت اختیار میشدند چندان زیاد نبودند.

در دوره امویان با وجودیکه شیوه اساسی حکومت اسلامی تحول نامطلوبی یافته و استبداد و تعصب جای دمکراسی و مساوات مطلق اسلامی را گرفته بود، باز از تصرف در کار قضات بلاد، دریغ میورزیدند و قاضیان را در حل و فصل دعاوی زیر تأثیر و نفوذ خود قرار نمیدادند. این موضوع با وجود ناهرغوبی صورت ظاهر حکومت امویان، به قاضیان قدرت و جرأت صدور و اجرای رأی بر وفق کتاب و سنت و استنباط ایشان میداد، چنانکه گفته شد قاضی یکی از شهرهای دور دست خراسان در اختلاف میان مردم نامسلمان و سردار اسلامی، توانست رأی به بطلان تصرف سمرقند و تخلیه شهر و تسلیم آن به بودائیان محل بدهد.

### دیوان مظالم

در زمان عبدالملک مروان به شیوه سلاطین قدیم ایران روزی از روزهای هفته را اختصاص به رسیدگی حضوری به شکایات مردم از اعمال و مقامات دیگر و حتی قضات داده و خود در مجلس رسیدگی به تظلمات می نشست و در موارد مشکل، از فقها و علمای دین که پیش او حاضر بودند، استشاره و استفاده میکرد. این کار درست تقلید از روشی بود که پادشاهان ایران پیش از عهد اسلام، در کار بارعام برای دادرسی عمومی داشتند و

خود پیش از آغاز دادرسی پیش روی موبدان موبدزانو میزدند تا هر کس از ایشان شکایتی داشته باشد پیش بیاورد و پس از ختم دادرسی مربوطه شخص خود آنگاه در جای مخصوص به خود می نشستند و بکارهای مردم می رسیدند .

### فایده دیوان مظالم

تشکیل دیوان مظالم که در حقیقت وظیفه دادگاههای تمیز و استیناف و انتظامی و کیفر دیوانیان و شورای دولتی امروز را انجام میداد برای جلوگیری از تجاوز ارباب قدرت و بستگان در گام خلافت، وسیله بسیار مؤثری بود . بسا اتفاق می افتاد که بمحض استحضار مقربان و نزدیکان خلیفه بر اینکه فلان کس دعوائی بر ضد ایشان در دیوان مظالم طرح میکند، فوراً از مورد اختلاف چشم می پوشیدند و به فرض اینکه حق هم با ایشان بود، مدعی را به مدعی می سپردند تا با او در پیشگاه عدالت در یک ردیف ننشینند .

اما در عصر عباسی که اصل فضیلت و تقوی چنانکه بایستی رعایت شود دیگر مرعی نبود بلکه برهم خورده بود و متدرجاً خلفاء در صد سوءاستفاده از دستگاه قضاوت برآمده بودند و میکوشیدند که تمایلات خویش را با موازین شرعی هم آهنگ سازند، مسلم است که مقاومت قضات در برابر این درخواستها، امری کاملاً قابل ملاحظه بود .

### مقاومت محمد بن حسن شیبانی در برابر هارون

محمد بن حسن شیبانی که سالیان درازی، گوراو در شمال شرقی مقبره معروف به برج طغرل گورستان قدیم ری، زیارتگاه مسلمانان ری بود، در موردی که هارون میخواست امان یحیی علوی را باطل کند و او را به قتل برساند، بانظر خلیفه مخالفت ورزید و همچنین نگذاشت هارون پیمانی را که خلیفه دوم با نصاری تغلب بسته بود، بشکنند و به بهانه احتمال بروز خیانت در جنگ با روم، آنان را از دم شمشیر بگذرانند .

### هارون و نصاری تغلب

هارون استدلال میکرد که این اعراب نصرانی برخلاف شرطی که با خلیفه دوم کرده بودند، فرزندان خویش را به کیش نصرانی در آورده اند و در حقیقت پیمان را شکسته اند و باید ایشان را کافر حربی شناخت و از میان برداشت. او در این کار رعایت

مصالح نظامی را مستمسک غدر قرار میداد و وانمود میکرد که ممکن است این ترسایان در پشت سر سپاه اسلام هنگام جنگ با روم خراب کاری کنند، ولی محمد بن حسن قاضی القضاة منتخب هارون که شایستگی ایفای وظیفه را بنحو خدا پسند در خود میدید، به استناد این که چنین نقض عهدی در باره تبعیت اولاد از عقاید پدرانشان، در عهد خلافت عثمان و علی هم سابقه داشته است و آن دو خلیفه چنین امری را دلیل نقض عهد آنان نشناخته اند، هارون را مجبور به عدول از نظر خود کرد.

با وجود این باید دانست که هر قاضی و قاضی القضاة، محمد بن حسن نبود که قدرت مقاومت در برابر خلیفه را داشته باشد، بلکه متدرجاً با مرور زمان از میزان صلابت و عدالت و استقامت رأیها کاسته میشد و بر نفوذ دستگاہهای متنفذ می افزود. این پیش آمد باعث شد که عناصر عالم و شایسته به رضای خاطر خود دیگر حاضر به قبول شغل قضاوت نمیشدند زیرا جمع بین مصلحت دنیا و دین و مراعات شرع مبین با درخواستهای دلپسند خلفا و امراء میسر نبود.

### حیلۀ شرعی

در آغاز امر قضاة زیرک و کاردان، گاهی برای کمک به مظلومی که احقاق حق او بطور ساده و عادی در محاکمه میسر نبود چاره جوئیهای مینمودند و از فطانت و تیزهوشی خود در رفع ابهام و تهیه دلیل در حدود رخصت شرع استمداد میکردند. این چاره جوئی قضائی که برای یاری بیچارگان بود، در دره اعمال نفوذ خلفاء و صاحبان قدرت برای تأمین میلها و درخواستهای آنان بکار افتاد و جامه حیلۀ و تمویه پوشید و عنوان «حیل» یافت.

### تحول وضع سیاسی در ایران

در آغاز اسلام تصدی مشاغل رسمی و ترقی افراد، بستگی به کفایت و استعداد و شایستگی خودشان داشت و مراعات نسبت و وابستگی به خلفا به اندازه شایستگی ذاتی تأثیر نداشت. اگر پس از پدیدار احیاناً به مقام پدر میرسید باز مر بوطه به کفایت و لیاقت او بود نه لطیفۀ انتساب و جنبه توارث. بنابراین شغل و ولایت در دست افراد سزاوار و شایسته

میگشت و اصل و نسب آنها میزان استحقاق شناخته نمیشد. اما از دوره مأمون که ظاهر ذوالیمینین را به ولایت خراسان فرستاد و این حق ولایت برای اولاد او بمیراث ماند، در شکل اداره ممالک ایران که به حکومت اسلامی خلفای بغداد پیوسته بود، متدرجاً تحولی پدید آمد. ظهور یعقوب صفار خارجی مشرب در سیستان و قیام حسن بن زید داعی علوی زیدی مذهب در طبرستان، کانونهای تربیت خاصی را در شرق و شمال ایران برای پرورش عناصری بوجود آورد که استعداد ذاتی جهت مبارزه در راه تحصیل قدرت داشتند. این پیش آمد که با هواخواهی سامانیان از نفوذ خلفای بغداد بستگی داشت طبیعتاً در امر قضاوت نیز بی اثر نماند و آن رشته ارتباطی که میان قضاوت ممالک محروسه با قاضی القضاة بغداد پیوسته بود دستی گرفت. بخارا و ماوراءالنهر در ظل حکومت سامانی بر مذهب حنفی و پیروی از مرکز قضائی و دینی بغداد استوار ماند. ولی در خراسان و عراق مذهب شافعی نیرو گرفت و مذهب شیعه در طبرستان مبنای حکم و قضاوت اختیار شد. این اختلاف وجهه تفکر شرعی یک قسم پراکندگی و هرج و مرجی بدنبال داشت که با تأسیس حکومت های مستقل محلی در سیستان و گرگان و مازندران و عراق متدرجاً گسترش می یافت. با وجود این، کار دادگستری در غالب شهرهایی که هنوز در فارس و خوزستان و عراق و آذربایجان به دیوان خلافت بستگی داشتند، تابع مرکز قضائی بغداد بماند.

نظیر این حالت در جزء غربی از سرزمینهای خلافت نیز اتفاق افتاد. اندلس با قبول حکومت اموی خاصی از حوزه خلافت شرقی جدا شد و برای خود حتی در کار قضا هم راه جداگانه ای اختیار کرد و مذهب ظاهری را ملاک استنباط احکام شناخت.

### در تعقیب انفصال مغرب و اندلس

ظهور خلفای فاطمی در مغرب اقصی و غلبه آنها بر مصر و شام، سایه نفوذ بغداد را از آن سرزمینها کوتاه نمود و زمینه ای جهت تطبیق فقه و قضای شیعه اسماعیلی مهیا کرد. ولی سماحت خاطر خلفای فاطمی در کار دین و دنیا، به مذاهب دیگر اسلام نیز مجال شرکت در کار حکم و قضا را میداد و جهت نیابت قاضی القضاة اسماعیلی، نواب شافعی

وحنفی و مالکی برگزیدند و فقیه امامی را عهده‌دار قضاوت اسماعیلی می‌کردند .

### شورش غلامان

در جنوب ایران قیام صاحب‌الزنج برای آزادی سیاه‌پوستان و کوتاه کردن دست زمینداران از سرکشاورزان ستمدیده خوزستان و سواد (جنوب عراق) ، چند سال حکومت خاصی در پیرامون مصب فرات و دجله و کارون روی کار آورد و رابطه معنوی و مادی میان مقامات بغداد را با مردم آن قسمت سست کرد . در دنبال آن قیام قرامطه در بحرین ساحلی و جزیره‌ای، نظام تازه‌ای از مملکتداری شبیه به حکومت دمکراسی یونان قدیم در حوزه خلیج فارس تشکیل داد که تا قرن پنجم هجری برقرار ماند . در نتیجه امر قضا هم مانند سایر امور ملکی و اجتماعی در قلمرو سیادت ایشان صورت مخصوصی پیدا نمود .

### انحراف آل بویه

آل بویه که از آغاز امپرو مذهب زیدی بودند، پیش از آنکه بر بغداد مستولی کردند از تقویت عنصر شیعه خودداری نمی‌کردند ولی پس از آنکه معزالدوله بی‌غداد رفت و در تعقیب تحولات و تصرفات مختلف خود را در مقام خادم حامی و مجری نیات خلیفه عباسی نهاد، چشم از تغییر و تبدیل اساسی پوشید و بجای آنکه قاضی القضاتی از شیعیان برگزید، ابن ابی‌الشوارب حنفی را با دریافت دوست هزار دینار پیشکش سالانه، برخلاف رضای خلیفه در مسند قاضی القضاتی نشاند و تعلق خود را نسبت بمذهب خانوادگی خویش، تنها در اقامه مراسم عزاداری ایام محرم به شیوه خاص دیلمیان در بغداد علم کرد و مایه اختلاف جدیدی میان شیعه کرخ و مردم رصافیه بوجود آورد .

### عضدالدوله و خلیفه بغداد

برادر زاده معزالدوله ، عضدالدوله هم بعد از استیلا بر بغداد پیوند ارتباط خود را با خلیفه عباسی نکست بلکه از عم و پسر عم خود عزالدوله استوارتر کرد و کارها را به نام خلیفه عباسی در قبضه اختیار خود گرفت .

این تلون یا سازش آل بویه با خلافت عباسی که بدان ابداً عقیده‌ای نداشتند

به سازمانهای اداری و مذهبی بغداد مجال ادامه عمل به همان صورت معمول سابق داد و با همه پراکندگیها و ناتوانیها و نابسامانیها، يك هسته مرکزی بهم پیوسته‌ای در پیرامون دستگاه خلیفه، جهت بهره‌برداری از تعصب سلجوقیان در دوره آینده، برجا ماند.

### خراسان پشیمان عباسیان

باید در نظر گرفت که خراسان از حیث وفاداری به خلافت بغداد و دقت در حفظ خط ارتباط شرعی، سرآمد ولایات دیگر ایران بود. در همان صده چهارم که آثار گسیختگی پیوندهای صوری و معنوی در فارس و عراق و طبرستان هویدا بود، غالب امور در شهرهای خراسان بصورت معمولی قبلی جریان داشت. چنانکه اصطخری جغرافیایانویس در وصف خراسان میگوید:

«طریقه اجرای حدود و احکام در خراسان چنین است که در حضور امرا تازیانه زده میشود و هر کسی میتواند در هر موردی شهادت بدهد، مگر اینکه در هر شهری عده‌ای مزکیان هستند که چون طرف دعوی برشاهدی اعتراض کند از وجود مزکیان استفاده میشود. در بخارا دانا ترین مردم به علم فقه و عقیف ترین آنها را بر میگزینند و او را برتری میدهند و به رأی او عمل میکنند و احتیاجات او را برمی آورند و کار را بدستور او صورت میدهند.»

### قضاوت در نیشابور در صده چهارم

«در نیشابور رسوم نیکی معمول است. از آن جمله مجلس مظلالم است که در هر هفته، روزهای یکشنبه و چهارشنبه، در حضور سپهسالار خراسان و یا وزیر او تشکیل میشود. هر کسی شکایتی دارد بدان میسپارد و مورد رسیدگی قرار میگیرد. در پیرامون سپهسالار یا وزیری که از او نیابت میکنند، قاضی و رئیس و علما و اشراف مینشینند. مجلس قضاوت یا حکم عادی هر دو شنبه و پنجشنبه‌ای در مسجد «رجا» منعقد میشود و در سرزمینهای اسلامی بهتر از آن نیست.»

### تعصب و هرج و مرج

با مهاجرت غزها و دخالت تدریجی عنصر ترکی در کارهای خراسان کوئی

روح تعصب در کارهای شرعی قوت می‌گرفت. این امر از دوره سلطنت غزنویان یعنی سلطان محمود برای صاف کردن راه مداخله متعصبان سلجوقی آغاز شد و با دخول طغرل بیک سلجوقی به بغداد و زوال قدرت آل بویه دیگر منازعی در پیش نداشت.

**اصلاحات قضائی ملک‌شاه**

قدرت معنوی خلفای بغداد بار دیگر با گسترش سلطه ترکان ساده و متعصب سلجوقی بر سراسر ایران و عرض اطاعت از خلیفه در حقیقت احیاء شد و آن پراکندگیها که در ظل حکومت ملوک الطوائفی در قلمرو سیادت مذهبی خلفای عباسی بوجود آمده بود، کاهش یافت و مرکزیت، با تعصب در اجرای شکل خاصی از عقاید و موازین مذهبی، جای تشمت رأبی که آمیخته به سماحت و آزادی نسبی بود، گرفت.

از اموری که در سلطنت ملک‌شاه مورد نظر اصلاحی قرار گرفت یکی تنظیم کار قضات بود. چه اختلاف نظر قضات در کیفیت دادرسی و قبول نفوذ تأثیر عوامل مختلف باطنی و ظاهری در کیفیت امور قضائی، از پیش مشکلاتی بوجود آورده بود که اهم آنها طرح دعاوی کهنه مربوط به اسناد قدیمه بود. اشخاصی با ارائه اسناد و بنجاقهای کهنه و اقامه شهود، شالوده مالکیت‌های مسلم را سست می‌کردند. ملک‌شاه، به ارشاد خواجه نظام‌الملک دستور العملی برای قضات صادر کرد که از قبول دعاوی کهنه امتناع ورزند و بطور کلی هرگونه سند و دعوائی را که سی سال از آغاز تاریخ آن می‌گذشت برای طرح در محضر قاضی غیر قابل قبول شمارند.

در این زمان مقام تازدای در دستگاه قضاوت بنام اقاضی القضاة بوجود آمد که آن را به اعتبار نفوذ شافعیان، به قاضی شافعی بغداد دادند تا در برابر قاضی القضاة حنفی مقام بلندی داشته باشد.

برای تجلیل مقام قضات و تأیید ایشان فرمانهای انتصاب قضات از ناحیه سلطان صادر میشد و دیگر رعایت ترتیب سابق قاضی القضاة را معمول نکردند. عنوان غالب قاضیان شهرهای بزرگ و نواحی آباد ممالک، در متون فرمانهای تفویض عمل قاضی القضاة نوشته میشد و هر قاضی در قلمرو مسئولیت خویش قضات زیر دستی به